



گزارشی از نظام کتابخانه‌ای عمومی کشور (۲)

کتابخانه‌های ایران پس از اسلام:

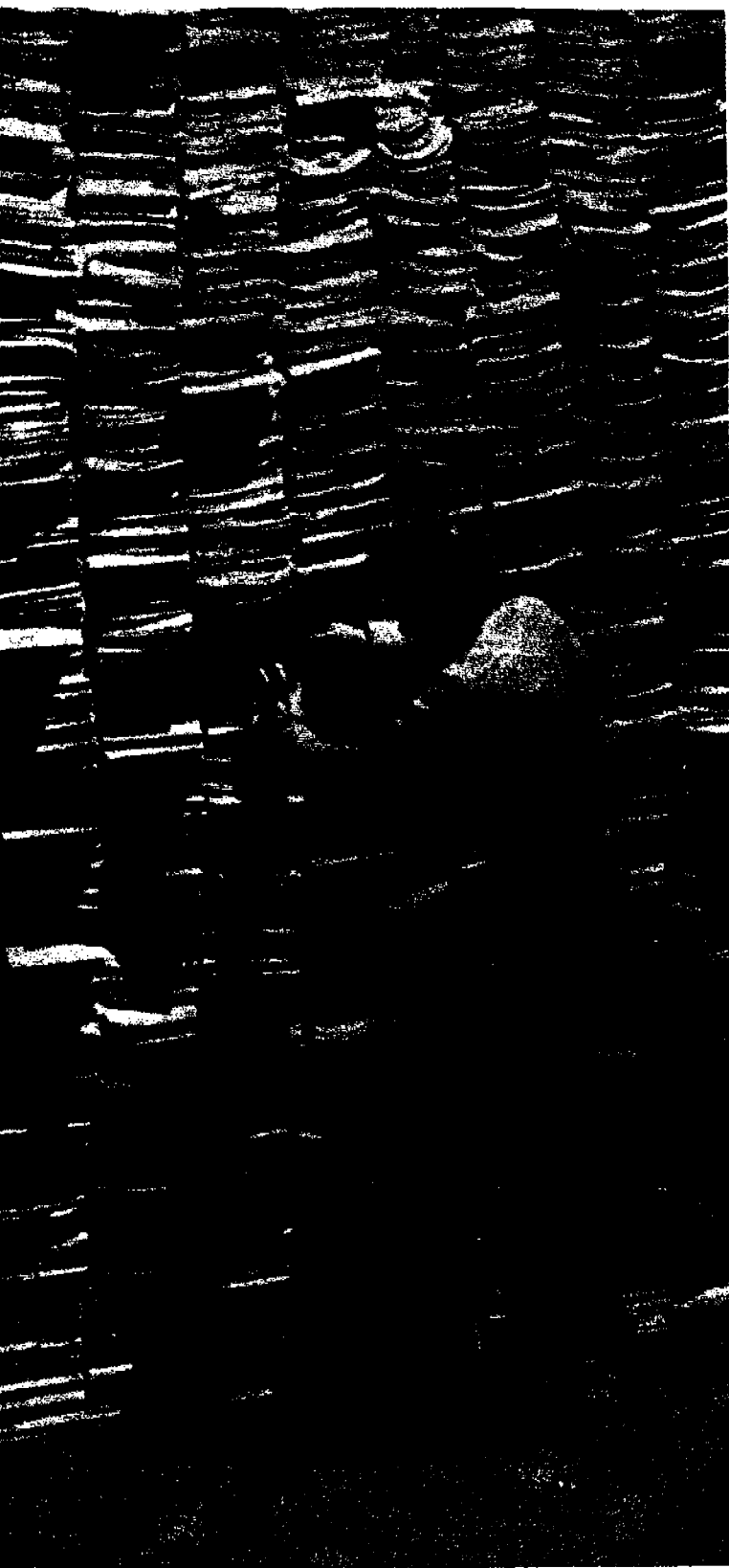
ایران پس از اسلام: یعنی بخشی از سرزمین پهناور اسلامی آن روزگار که سرنوشتش در بسیاری ابعاد با سرنوشت مملکت اسلامی گره خورده بود خاصه در بعد فرهنگ که خدمات متقابل آنها به یکدیگر (خدمات متقابل ایران و اسلام) زبانزد است. آنچه مسلم است، فرهنگ ایران با ورود اسلام استحاله‌ای شایسته یافت از بسیاری از زمینه‌های غنی و قوی پیشین بهره جست و به بسیاری از قله‌های او ج و افتخار قدم گذاشت - ضد ارزش‌های پیشین شرك و الحاد در زلال خروشان ارزش‌های پسین توحید و ایمان رنگ باختند و ایرانیان مسلمان در معماری، تمدن و فرهنگ اسلامی چنان پیش رفتند که در بیشتر شاخه‌های علوم و دانش اسلامی علم پیشتازی برافراشته و کوس سروری نواختند، ایرانیان آذری مسلک به توسط لشکریان خلیفه دوم اسلام را دریافتند اما در شناخت حق و حقیقت به چنان توفیقی دست یافتند که از پس همه مهمه‌هایی که از امتزاج حق و باطل در گرفته بود بخوبی مجسمه حق و عدل - که در گوشه خانه با صبری با شکوه سکوت پیشه کرده بود را دریافتند و در زمره وفادارترین رهروان او «امام علی بن ابیطالب (ع)» درآمدند. بگذاریم و بگذریم.

پیش از این گفتیم که در ایران باستان کتابخانه‌های بزرگی وجود داشتند که بطور مشخص می‌توان از گنجینه کتب اردشیر بابکان و از کتابخانه انوشیروان در دانشگاه گندی شاپور نام برد، آنطور که از تاریخ برمی‌آید پس از حمله اسکندر به ایران تا آغاز تأسیس سلسله ساسانیان ایران دچار هرج و مرج و ملوک الطوائفی بوده و طبیعی است که علم و فرهنگ و فنون مختلف نیز مهجور و

متروک مانده باشند. در عصر ساسانیان هرچند علم و فرهنگ از رونقی برخوردار شد و تا ورود اسلام آنچه به عنوان کتاب و کتابخانه در ایران می‌توان سراغ داشت حاصل تلاشی است که در عصر ساسانیان به عمل آمد و - جلوه‌ای از فرهنگ جوان و تازه پای عهد ساسانی بود اما عهد ساسانی چندان دوامی نیافت که ذخائر و گنجینه‌های فرهنگی و هنری ارزشمند و غنی از خود برجای گذارد و همینجا می‌توان اتهامات بسیار ناروایی که در برخی کتب تاریخی و نوشته‌های مستشرقین به سربازان اسلام نسبت داده شده که اسلام با ورود خود مبادرت به کتاب‌سوزی نمود و... الخ را کاملاً مردود دانست که اصولاً در دوران ساسانی کتاب و کتابخانه قابل توجهی وجود نداشت و آنچه بود نیز بزودی پس از فتح اسلام توسط مترجمین به فرهنگ عظیم اسلامی انتقال یافت چنانکه شبلی نعمانی می‌نویسد: «وقتی که قدم اسلام به ایران رسید ذخائر علمی که در آنجا موجود بود متعلق به عصر ساسانیان بوده است و ما می‌توانیم ادعا کنیم که مسلمین تا آنجا که در قوه آنها بود آن ذخائر را با اهتمام زیاد محفوظ داشتند» مجموعه مقالات شبلی نعمانی - ص ۱۴۶. اکنون برای نمونه به برخی از کتابخانه‌های ایران پس از اسلام اشاره می‌نمائیم.

فرید وجدی در دائرة المعارف اسلامی و یاقوت حموی در معجم الادبا از «بشاری» مورخ نامی عرب نقل کرده‌اند که: عمادالدوله دیلمی در شیراز کتابخانه معتبر و بزرگی به وجود آورد که در نزدیکی کاخ وی قرار داشت.

در احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم آمده است که بهاء الدوله دیلمی نیز کتابخانه معظمی ترتیب داده بود، ابن یوایب معروف



مدتها کتابدار این کتابخانه بوده است.

مقدسی در توصیف کتابخانه عضدالدوله دیلمی می نویسد:
«در کتابخانه عضدالدوله دیلمی از هر کتابی که تا زمان او تألیف و
تصنیف یافته، نسخه ای یافت می شده و کتابها بر حسب موضوع و
نام کتاب و مؤلف طبقه بندی و فهرست شده و هر دانش در حجره ای
جداگانه نگاهداری می گردیده است.

یاقوت در معجم الادبا و تعالی در یتیمه الدهر فی معرفة الاهل
العصر الدهر و ابن اثیر در کامل و نیز ابن خلکان در طبقات الادبا از
کتابخانه معروف ابونصر شاپور بن اردشیر و عظمت آن سخن
گفته اند، این کتابخانه وقف عام بوده و مردم می توانستند از گنجینه
موجود استفاده نمایند - این کتابخانه که بیش از ده هزار مجلد
داشت در حریق که در سال ۴۴۷ هـ در محله کرخ بغداد رخ داد
طعمه آتش گردید.

ابوالفضل محمد بن حسین عمید بن محمد وزیر فاضل
رکن الدوله دیلمی کتابخانه بزرگی در ری داشته که محمد لطفی در
تاریخ فلاسفه اسلام در شرح حال ابوعلی احمد بن مسکویه
می نویسد که او مدتها کتابدار کتابخانه مذکور بوده است.

صاحب بن عباد که از وزرای باکیاست و فرهیخته ای کم نظیر
بود کتابخانه ای بسیار ارزشمند در ری ترتیب داده بود و خود او در
توصیف کتاب الاغانی تألیف ابی الفرج اصفهانی می نویسد «در
کتابخانه ام یکصد و هفده هزار جلد کتاب نفیس دارم لیکن آنگاه که
کتاب الاغانی را بدست آوردم از خواندن کتابهای دیگری
بازماندم».

این کتابخانه نیز وقف عام بوده و جنبه عمومی داشت. که
بعدها نام دارالکتب ری را بخود گرفت و از شهرتی فراوان
برخوردار شد. صاحب بن عباد در دعوت نوح بن منصور سامانی
که وی را به وزارت بخارا فراخوانده بود می گوید: «من بدون
کتابهایم نمی توانم زندگی کنم و باید کتابهایم با من باشد در حالیکه
برای حمل آنها حداقل چهارصد شتر لازم است و چنین وسیله
حمل و نقل در دسترس نیست.» بخش اعظم دارالکتب ری که از
انضمام کتابخانه صاحب بن عباد و ذوالکفایتین ایجاد شده بود
توسط سلطان محمود غزنوی سلطان متظاهر و متحجر به تصور
اینکه این کتابخانه مخزن کتب شیعی، معتزلی و رافضی است به
آتش کشیده شد.

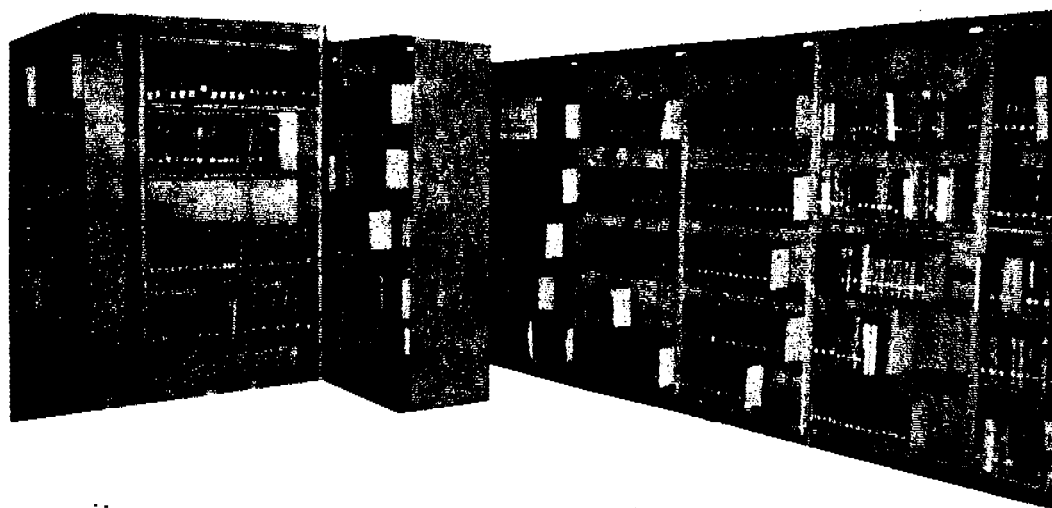
مقدسی در احسن التقاسیم از کتابخانه ای بزرگ و با عظمت
در رامهرمز یاد می کند که مرجع مهم معتزله خوزستان بشمار
می آمده، ابن سینا در سرگذشت خود از کتابخانه بی نظیر نوح بن
منصور یاد می کند می گوید: «... سپس روزی از او دستور

اصفهان - کتابخانه مسجد جامع ساوه - کتابخانه‌های مرو که یاقوت حموی در معجم البلدان در خصوص آنها می‌گوید: «متاسفم از اینکه از شهر مرو جدا شدم - در مرو ده کتابخانه وجود داشت که مانند آنها را از لحاظ داشتن تعداد کتاب و نفاست و ارزش در جهان ندیدم.»

کتابخانه‌های دهگانه مرو به روایت یاقوت عبارت بودند از کتابخانه عزیزیه در مسجد جامع مرو دارای دوازده هزار جلد کتاب ۲ - کتابخانه کمالیه ۳ - کتابخانه شرف الملك که توسط ابی سعید محمد بن منصور شرف الملك ساخته و وقف گردیده بود. ۴ - کتابخانه نظام الملك که حسن بن اسحاق ملقب به نظام الملك در مدرسه‌ای که خود تاسیس کرده بود ایجاد کرد و بصورت عمومی اداره می‌شد. ۵ - کتابخانه حمیدیه ۶ - کتابخانه مجد الملك ۷ - کتابخانه خاتونی که در مدرسه خاتونیه مرو قرار داشت و بنیانگذارش یکی از بانوان خیر خاندان سلجوقی بوده است. ۸ -

خواستم که به کتابخانه‌اش بروم و آنچه از کتابهای پزشکی هست بخوانم و مطالعه کنم، پس مرا دستوری داد و بسرانی وارد شدم که خانه‌های بسیار داشت و در هر خانه‌ای صندوق‌های کتاب بود که روی هم انباشته بودند در یک خانه کتابهای تازی و شعر و در دیگری فقه و بدینگونه در هر خانه‌ای کتابهای دانشی، پس بر فهرست کتابهای اوایل نگریستم و هرچه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتابهایی یافتم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود»

در دیلمان که مرکز شیعیان بوده نیز کتابخانه بزرگی بوده است و اغلب شیعیان در منازل خود کتابخانه‌های شخصی ارزشمندی داشته‌اند - در مجمل التواریخ و - القصص در مورد اعمال سلطان محمود پس از تسلط بر دیلمان آمده است: «و بسیار دارها بفرمود زدن و بزرگان دیلم را بر درخت کشیدند و بهری را در پوست گاو دوخت و به غزنین فرستاد و مقدار پنجاه خروار کتاب و دفتر



کتابخانه ضمیریه که در خانقاه معروف ضمیریه قرار داشت و متعلق به عرفای مرو بود. هر کتابخانه نیز توسط خانه‌ای سمعانی که معروف به فضل و دانش بودند تأسیس و اداره می‌شد. حسن صباح نیز در دژ الموت کتابخانه‌ای نفیس و عظیم بنیان گذاشت که محور فعالیت آن تالیف و تدوین آثاری در اثبات صحت و عقاید و آراء اسماعیلیه بود - این کتابخانه بنام کتابخانه سیدنا معروف شد.

در شرح حال خواجه نصیرالدین طوسی آمده است که وی مدت‌ها اداره آن کتابخانه را بر عهده داشت.

آنچه تاکنون گفته شد فهرستی بود از کتابخانه‌های ایران در فاصله ورود اسلام تا حمله مغول به ایران - پس از حمله مغول تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی برای مدتی رو به انحطاط گذاشته و دوران

روافض و باطنیان و فلاسفه از سراهای ایشان بیرون آورد و در زیر درختهای آویختگان بفرمود سوختن.»

بنا به نوشته امام فخر رازی در کتاب مناظرات - امام محمد غزالی در توس کتابخانه بزرگی داشته که عموم مردم می‌توانستند از آن استفاده نمایند.

مدارس قدیمه ایران همگی دارای کتابخانه‌های معتبر و ارزشمند بوده‌اند که وقف عام بوده و کلیه طالبان علم از آن بهره می‌بردند از آن جمله کتابخانه مدرسه صابونی نیشابور - کتابخانه مدرسه سعدیه نیشابور - کتابخانه اسفراین نیشابور - کتابخانه نظامیه نیشابور - کتابخانه تورانشاهی کرمان که در مدرسه معروف ملك قرار داشت.

کتابخانه مدرسه مسعود بیک بخارا - کتابخانه دانشگاه نظامیه



مترقی حاصل آمد - مراکز علمی - فرهنگی ایران و کتابخانه‌ها دستخوش نابودی و اضمحلال شد - در این هنگام پادشاهان سلجوقی روم که ایرانی الاصل و فارسی زبان بودند به جلب و جذب دانشمندان و فضلاء رنجیده و متواری از حمله مغول همت گماشتند و شهرهای روم از جمله قونیه - ارزروم و زنجان مرکز تجمع علماء و ادبا شد و مدارس و خانقاه‌های بسیار بنیان گذاشته شد.

در چنین ایامی در قونیه و ارزروم - دانشمندان و فرهیخته‌گانی چون مولانا جلال‌الدین محمد بلخی - شیخ صدرالدین قونوی - شمس‌الدین محمد تبریزی - لوحه‌الدین کرمانی - فخرالدین عراقی و بسیاری دیگر از اجله علماء آن زمان در مدارس این دو شهر به درس و بحث مشغول بودند - فخرالدین عراقی شرح معروف خود بر آثار محی‌الدین عربی را در این ایام و دیگر از همین مدارس می‌نویسد.

باری بتدریج که از حکومت مغولان سالیانی چند سپری شد و اولاد چنگیز از خصال زشت پدر به جهت مرور ایام فاصله گرفته و حکومتشان تحت تأثیر فرهنگی ایرانی اسلامی قرار گرفت، مغول دوران فترت و طلوع دوباره فرهنگی و تمدن ایرانی و اسلامی آغاز گردید.

چند کتابخانه معتبر و بزرگ این دوران عبارتند از:

کتابخانه رصدخانه مراغه که در حقیقت مجموعه‌ای از باقیمانده‌های کتابخانه‌های عظیم شام، موصل، بغداد، الموت، سمرقند، بخارا، مرو و قزوین و نیشابور که مغول آنها را نهب و غارت کرد محسوب می‌گردید - جرجی زیدان در آداب اللغه می‌نویسد: «قسمت مهم کتابهای آن کتابخانه از کتابهای شام و بغداد و جزیره موصل بوده که در فتنه تاتار غارت شده و عدد آن را بالغ بر چهارصد هزار جلد گفته‌اند».

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده و میبیدی در کشکول در شرح احوال رصدخانه مراغه نوشته‌اند خواجه نصیر رسم الخط از جانب هلاکو خان ماموریت یافت رصدخانه بزرگی بسازد و زیج ایلخانی را بنیان گذارد - ساختمان این مجموعه بزرگ در ۶۵۷ هـ. بپایان رسید.

رشیدالدین فضل‌الله... فرزند عمادالدوله ابوالخیر همدانی از دانشمندان بنام ایران است که در طب دستی توانا داشت و سیاستمداری با کفایت بود وی شهر کوچکی را بنام ربع رشیدی بنا کرده و به ضمیمه آن یک مدرسه و دارالشفاء و دارالسیاده تاسیس نمود - گنبدی مجلل نیز برای آرامگاه خویش بنا نهاد و در دو سوی این گنبد دو کتابخانه عظیم احداث کرد - که کتابخانه عمومی



بود و هزار جلد قرآن نفیس و بیش از شصت هزار جلد کتاب دیگر را در خود جای داده بود.

اقبال آستینانی در تاریخ مفصل ایران می‌گوید: در کتابخانه ربع رشیدی از تالیفاتش نسخه‌های متعدد گذاشت و استنساخ از روی آنها را آزاد کرد و همچنین از مجموع تالیفاتش نسخه ضخیمی فراهم آورد بنام جامع تصنیف رشیدی با نقشه و صور لازم و در کتابخانه ربع رشیدی جای داد... متأسفانه پس از قتلش بسیاری از نفائس و نسخ خطی و نایاب کتابخانه‌اش به چنگ اوباش و مردم جاهل افتاد و بسیاری از آثار خویش نیز نابود گردید».

باری از همه کتابخانه‌های ایران پس از اسلام سخن گفتن فرصت‌گشادی می‌خواهد و ناچار باید به آنچه تاکنون ذکرشان رفت بسنده کنیم - خلاصه کلام آنکه از بعد حمله مغولان تهاجم تیمور گورکانی و روی کار آمدن سلاسل مختلف صفوی - نادری - زندی و قاجاری کتابخانه‌ها به سیر پستی خود همچنان ادامه دادند، شاهان و امپراطوران آمدند و هر کدام بنا به خصوصیات ذاتی و مقتضای زمانه‌اشان نسبت به این نهادهای فرهنگی وفا یا جفا روا

داشتند و تاریخ فرهنگی این مملکت را خاطره‌ای تلخ یا شیرین افزودند و رفتند - تعداد کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در این دوران کم نبودند و حداقل می‌توان چهل کتابخانه ارزشمند را در طول این مدت نام برد.

در مورد ورود صنعت چاپ به ایران گفته شده است که فرقه کرملی‌ها که ارمنی مذهب بودند و در اصفهان رحل اقامت افکندند، نخستین چاپخانه را در سالهای پس از ۱۶۰۶ م به ایران آورده‌اند و در ابتدا بعضی از متون مذهبی و اذکار و ادعیه را با آن چاپ می‌نموده‌اند در دایرةالمعارف بریتانیکا ذیل عنوان «ادبیات ارمنی» از يك ورق بزرگ به زبان ارمنی چاپ جلفای اصفهان سخن رفته که در سال ۱۰۵۰ هـ - ق به چاپ رسیده - با این وصف آنگونه که از سیاحت‌نامه شاردن جهانگرد فرانسوی (۱۶۴۳ - ۱۷۱۳ م) که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران سفر کرده بر می‌آید، ایرانیان فارسی زبان به درازا پس از آن تاریخ نیز از چاپخانه بی‌بهره بوده‌اند و بالاخره يك قرن و نیم بعد از سفر شاردن - برای اولین بار در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار، عباس میرزا ولیعهد که خود اهل فضل و از دستداران فرهنگ بود چند تن از ایرانیان را برای آموختن فن چاپ به اروپا فرستاد و همانها دستگاه چاپ سربی و بعدها چاپ سنگی را به ایران آوردند - بدین ترتیب اولین چاپخانه در تبریز دایر شد - اولین کتابی که در این مطبعه کوچک به چاپ رسید فتح نامه تصنیف ابوالقاسم قائم مقام بود که ماجرای آغاز و پایان جنگ میان دولت روس و ایران وعهدنامه گلستان را به تفصیل شرح داده بود.

هشت سال بعد چاپ سنگی به ایران آمد که در این باب هم همت عباس میرزا نایب السلطنه کارساز بود - بنا به قولی اولین کتاب چاپ سنگی که به سال ۱۲۴۸ هـ - ق به چاپ رسید قرآنی بود به خط میرزا حسین خوشنویس، همان چاپخانه پنج سال بعد به تهران انتقال یافت و اولین کتابی که در تهران چاپ شد دیوان معتمدالدوله نشاط بود - مرحوم محمد علی تربیت در تاریخ مطبوعات ایران چاپ این دیوان را بسیار بد و نامطلوب توصیف کرده است.

بهر صورت فن چاپ در ایران به شتاب رونق گرفت و پس از تبریز در شهرهای تهران - اصفهان - شیراز و ارومیه چاپخانه دایر شد - پیش از آن کتابهای فارسی در هند و کشور عثمانی به چاپ سنگی می‌رسید و طبیعی بود که با ورود و رونق صنعت چاپ در ایران کتابهای فراوانی به زیور طبع آراسته گردد و رواج کتب چاپی زمینه احیای مدارس و ایجاد کتابخانه‌ها و توجه به منابع مکتوب را فراهم آورد.

تاسیس دارالفنون که از ایده‌های عباس میرزا ولیعهد بود و در نهایت به همت میرزا تقی خان امیرکبیر جامه عمل پوشید (و همو هم توانست ثمر تلاشش را بچشم ببیند) یکی دیگر از عوامل بسط و توسعه فرهنگ و بالمال کتاب و کتابخوانی در ایران بود - این موسسه علمی هرچند بواسطه نداشتن مدیرانی لایق و آگاه و نیز کارشکنی‌های مخالفین داخلی و دشمنان خارجی منشأ آثار مهمی نگشت لیکن زمینه بیداری ایرانیان و پیدایی و رشد افکار آزادیخواهانه و آغاز نهضتی فرهنگی را فراهم آورد - و اگر نفوذ برخی عناصر مثل «ملکم» ارمنی نژاد و افعال و عملکرد او نبود که توجه ناصرالدین شاه را از این مدرسه منحرف کرد و بلکه به بدگمانی شدید وی منجر شد، ادامه حیات فعال این مدرسه می‌توانست کمک موثری در رشد و رونق علمی - صنعتی ایران به حساب آید - بهر حال چند سالی پس از افتتاح دارالفنون قشر تحصیلکرده روشنفکری از اطباء - علماء ریاضی و طبیعی در ایران پیدا شدند و بتدریج کار تألیف - تحقیق و نیز ترجمه از رونقی در خور برخوردار شد - گو اینکه در این ترجمه‌ها اغلب نکات و دقایق ادبی متن اصلی رعایت نشده و در انتخاب متون دقت کافی به عمل نمی‌آمد و گاه برخی کتب پیش پا افتاده و حتی داستانهای جنائی مبتذل نیز ترجمه و منتشر می‌شد.

و بالاخره عامل مهم دیگری که فرهنگ و افکار عمومی ایران را متحول نمود جنبش مشروطیت بود که مجال بحث تفصیلی پیرامون تأثیرات این جنبش بر علم و فرهنگ به معنای اعم و بر کتاب و کتابخانه به معنای اخص در این نوشتار نیست.

باری در دوران قاجاریه نیز کتابخانه‌ها بیشتر در مدارس - خانقاهها و مساجد بچشم می‌خورد و برخی نیز در منازل اعیان و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی آن زمان. کتابخانه‌های اخیر هر چند همگانی نبودند اما بهره‌وری از آن به صاحبانشان محدود نمی‌شد.

برخی از کتابخانه‌های مهم این دوره عبارتند از: کتابخانه مدرسه ایلچی اصفهان که تا سال ۱۲۳۸ هـ - ق دائر بود - برخی کتابهای این کتابخانه در حال حاضر در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود.

کتابخانه مدرسه صدر تهران که اصل این مدرسه توسط میرزا شفیع صدراعظم فتحعلیشاه تاسیس شده بود.

کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار - بانی مدرسه سپهسالار میرزا حسین خان مشیرالدوله بود که کتابخانه بزرگی برای این مدرسه فراهم آورده بود.

کتابخانه مدرسه مروی - محمد حسن خان معروف به خان



مروى بانی این مدرسه قریب به دو هزار جلد کتاب نفیس و بیاری نسخ خطی را در این کتابخانه گردآوری نموده بود.

کتابخانه مسجد جامع طبس که بیش از هشت هزار جلد کتاب خطی داشته و در سال ۱۳۲۹ هـ توسط نایب حسین کاشی یاغی در هجوم به طبس به آتش کشیده می شود.

در این دوره بیش از سی کتابخانه نفیس و معتبر خصوصی هم می توان نام برد که عمده کتابهای آنها به تملك کتابخانه مجلس درآمده و اکنون در همانجا نگهداری می شوند.

کتابخانه های ایران در دوره پهلوی

آغاز حاکمیت رضاخان مقارن بود با تغییر سیاست های کلان استکبار و استعمار در برخورد با دنیای سوم، تا پیش از آن استعمار غالباً با شمشیر برهنه و دیپلماسی علنی در بهره کشی و استیلا بر دول و ملل جهان سوم کار خود را پیش می برد و اگر نیرنگ و تزویری هم بود باز مقدمه ای برای حضور مستقیم خارجیان در کشورهای تحت سلطه و کنترل بلاواسطه دستگاههای حکومتی آن کشورها به حساب می آمد.

از زمانی که آمریکا به عنوان يك قدرت جدید پای در میدان رقابتهای جهانی گذاشت و رفته رفته به تثبیت موقعیت خود پرداخت و بخصوص پس از جنگ های جهانی که میدان مناسبی برای عرض اندام این قدرت تازه تولد یافته بود، سیاستهای استعماری نیز رنگ دیگری پیدا کرد و استعمار نو که نفوذ و تثبیت حاکمیت، و حفظ منافع نامشروع و رفع عطشهای سیری ناپذیر چپاول و غارت ابرقدرتها را در تهی کردن انسانها از هویت ملی، تاریخی و فرهنگی آنها جستجو می کرد همچون همزاد نامشروع آمریکا پای به عرصه جهان گذاشت.

خزش فاجعه آمیز ضدارزشهای استکباری به حریم فرهنگ و تمدن ملل محروم و مستضعف که از دیر زمان آغاز شده بود به یورش همه جانبه در ابعاد مختلف تبدیل شد. هر ابزار و وسیله ای که می توانست در خدمت بشریت و رشد تعالی انسانیت قرار بگیرد به جهنمی ترین وسیله و ضد انسانی ترین و ضدارزش ترین حربه تبدیل و در خدمت اهداف استکبار درآمده و گذشته از همه اینها جهت گیری کلی بر کشورهای تحت سلطه بنحوی سامان داده شد که پاك ترین و مقدس ترین وسائل هم اگر (به عنوان جزئی از سیستم های حاکم بر کشورهای تحت سلطه) به کار گرفته می شد جز افزونی و تخریب بنای فرهنگ و تمدن و ویرانی ارزشهای اصیل و انسانی ثمره ای بیار نمی آورد.

از قضا سرکنگبین صفرا فزود.
روغن بادام خشکی می نمود.

هرچند در يك چنین بستر مسمومی سخن گفتن از آمار و ارقام و ارائه تعداد مراکز فرهنگی - آموزشی نمی تواند گویایی چندانی داشته باشد - اما از این جهت که تدبیر و برنامه ریزی نسبتاً حساب شده رژیم در پیاده کردن برنامه ها و سیاست هایش را می توان از دل این داده های آماری استخراج کرد و حداقل عبرتی از آنها گرفت.

بدون اشاره به تحولات فرهنگی - اجتماعی دوره پهلوی که در این نوشتار مجالی برای طرح آن نیست به اختصار از مراکز فرهنگی - و در نهایت کتابخانه ها سخن می گوئیم.

در زمان رضاخان تعلیم و تربیت جنبه عمومی پیدا کرد و اولین مدارس دولتی در ایران تاسیس گردید، اولین مرکز آموزش عالی در تهران (دانشگاه تهران) کار خود را آغاز نمود تعداد چاپخانه ها رو به فزونی گذاشت و چاپ و انتشار کتب درسی و علمی - ادبی به وزارت فرهنگ محول شد.

با انتقال کتابخانه بزرگ مدرسه دارالفنون اولین کتابخانه ملی در ایران افتتاح گردید و کتابخانه مجلس تکمیل شد و بعدها در ساختمان جداگانه و نسبتاً مناسب استقرار یافت.

از کتابخانه های خصوصی معتبری که در این زمان وجود داشته می توان به کتابخانه حاج حسین آقا ملك اشاره کرد که مرحوم ملك آن را وقف آستان قدس رضوی نموده و در طول حیاتش از هیچ کوششی در توسعه و غنای آن دریغ نکرد - اغلب کتابخانه های معروف دوره قاجاریه از جمله کتابخانه های قوام الدوله - حسام السلطنه - شیخ عبدالحسین خیابانی و مانند آن به این کتابخانه انتقال یافته است.

در دوران حکومت پهلوی پسر - دانشگاههای شیراز - تبریز - مشهد - اصفهان و ملی تهران گشایش یافتند - سازمان ترجمه و نشر کتاب تاسیس شد و بالاخره بموجب قانون تاسیس کتابخانه های عمومی مصوب سال ۱۳۴۴ کتابخانه های عمومی در مراکز استانها و برخی شهرستانها احداث و آغاز به کار کردند.

پیش از پرداختن به مبحث کتابخانه های عمومی در خلال سالیان حکومت محمدرضا پهلوی بی مناسبت نیست اگر مروری داشته باشیم بر وضعیت نشر کتاب و تنوع موضوعی عناوین منتشره در طول این سالیان در فاصله سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ تعداد باسوادان ایران از يك میلیون نفر تجاوز نمی کرد و طبیعی است که مطالعه و کتابخوانی نیز محدود به فضلاء - اساتید و تحصیل کرده ها باشد - از سال ۱۳۲۰ به بعد که تعداد عناوین

وزیر فرهنگ و هنر و کشور و چند تن از شخصیت‌های فرهنگی تشکیل می‌شد جایگاه لازم برای کتابخانه‌های عمومی در نظر گرفته شده بود. و از سوی دیگر با اختصاص بخشی از ۱/۵ درصد درآمد سالیانه شهرداریها به امر توسعه کتابخانه‌ها، این موسسات فرهنگی با درآمدهای مردمی گره خورده و به عنوان يك خدمت شاخص و اولویت دار شهری محسوب شده بود. درآمد رو به تزاید شهرداریها نیز تضمین مناسبی برای گسترش و توسعه کتابخانه‌ها به شمار می‌آمد، کما اینکه در طول ۱۲ سال پس از تصویب این قانون در سال ۵۶ تعداد ۳۶۹ کتابخانه عمومی در سراسر کشور تأسیس و راه‌اندازی شده بود.

در این سال ذخیره کتاب کتابخانه‌های عمومی کشور حدود

نشریات و روزنامه‌های منتشره رو به فزونی می‌گذارد نشر کتاب و گرایش مردم نسبت به کتاب نیز به کاهشی نسبی دچار می‌گردد. بطوری که سال ۱۳۲۲ پایین‌ترین میزان عناوین منتشره در طول این سالیان را با ۱۱۱ عنوان به خود اختصاص می‌دهد.

سالهای بعد که مقارن است با ایجاد موسسات آموزشی جدید و دانشگاهها و افزایش درصد باسوادان، کتاب و کتابخوانی باز هم رونق می‌گیرد و در سال ۱۳۳۰ حدود ۴۱۴ عنوان کتاب که بیشترین آنها در موضوعات علوم اجتماعی و اصول علم اقتصاد و فلسفه بودند منتشر می‌گردد.

در دهه ساله ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ مجموعاً ۵۶۰۲ عنوان کتاب منتشر شده است که ادبیات با ۳۹٪ و کلیات با ۱/۵ درصد به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین درصد عناوین منتشره را به خود اختصاص می‌دهند. در این فاصله موضوعات دینی - مذهبی ۱۰ درصد عناوین را شامل شده و این نوع کتب بیشترین تیراژ انتشار را داشته است.

در دهه ۱۳۴۰ با تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - انتشار کتاب در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان از جهش نسبتاً قابل توجهی برخوردار گردید بنحوی که در سال ۴۷ - ۱۳۴۶ تنها از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۰ عنوان کتاب منتشر شد.

در این دهه انتشار کتب ادبی مخصوصاً دواوین شعرا به سبب سهولت کار همچنان پررونق باقی مانده بود.

در فاصله بین سالهای ۴۹ تا ۵۲ بتدریج از تعداد عناوین و تیراژ کتب ادبی کاسته شده و به تیراژ و عناوین کتب علمی و مذهبی افزوده می‌گردد - به طوری که عناوین ادبی که در سال ۱۳۴۹، ۲۲/۷۶ درصد را بخود اختصاص داده بود، در سال ۱۳۵۲ به ۱۷/۷ درصد کاهش یافته و در مقابل عناوین علمی و مذهبی که به ترتیب در سال ۱۳۴۹، ۱۷ و ۱۰ درصد کل عناوین را شامل می‌شد، در سال ۱۳۵۲ به ترتیب به ۲۱/۱۶ و ۱۷/۲ درصد افزایش یافته بود.

شایان ذکر است که این رشد همچنان تا سالهای پیروزی انقلاب و نیز پس از انقلاب همچنان ادامه داشته و نمای اصلی تحول فکری فرهنگی در کشور را نشان می‌دهد.

باری چنانکه گفته شد تصویب قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی در سال ۱۳۴۴ در توسعه و گسترش کتابخانه‌های عمومی نقش موثری داشت. براساس این قانون از يك سو با پیش‌بینی نهادی بنام هیات امانه کتابخانه‌های عمومی کشور که با حضور دو



۲/۵ میلیون جلد و اعضاء فعال کتابخانه‌ها ۱۲۳۲۷۱ نفر بوده‌اند که در سال حدوداً ۴۹۵۱۸۶ مرتبه به کتابخانه‌ها مراجعه نموده‌اند.

رژیم پهلوی بخوبی دریافته بود که برای تحکیم پایه‌های حکومتش چاره‌ای جز شکل دهی ذهنیت و افکار و در يك کلام فرهنگ عمومی جامعه متناسب با اهداف دراز مدتش ندارد - و کارشناسان ورزیده‌اش نیز به خوبی به نقش کتاب و کتابخانه در این امر پی برده و از این رو بود که سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً قابل توجهی در این بخش در مدت کمتر از ۱۵ سال صورت گرفت - سیاست‌های فرهنگی - هنری - آموزشی و شکل نهادین شده آنها یعنی مدارس - دانشگاه‌ها - تئاتر - سینما و نیز کتابخانه عمومی «شمشیرهای دو لبه‌ای بوده‌اند که رژیم با بهره‌گیری از آنها ارزشهای انسانی و اسلامی را هدف گرفته و در تبلیغ، انتشار و

تثبیت ضد ارزش غربی تلاش می‌کرد.

با این حال جالب توجه این است که تحلیل‌گران صاحب نظر در مسائل انقلاب و تحولات اجتماعی چنین معتقدند که رژیم گذشته بدلیل عدم توجه به جنبه‌های فرهنگی جامعه و عدم توفیق کامل در جهت دهی فرهنگ عمومی به نفع سیاست‌های خویش محکوم به زوال و نابودی گردید و صدالبته پیداست که غنای فرهنگ اسلامی و پویائی ارزشهای این مکتب و ثبات و قوام اصول آن که جوهره انقلاب اسلامی بود سیر نزول و زوال این حکومت را سرعتی مضاعف بخشید - بدین ترتیب دوام حکومت پهلوی به میزان قابل توجهی مرهون سیاست‌گذاریها و سرمایه‌اندوزی‌های هنگفت وی در بخش فرهنگ و آموزش و ساخت سیستم فرهنگی - آموزشی متناسب با اهداف دراز مدتش بوده است.

کتابخانه‌های عمومی دهسال پس از پیروزی انقلاب اسلامی

همچنانکه در ابتدای بحث خاطر نشان ساختیم - جنگ تحمیلی هرگونه مجالی را برای سازندگی و آبادانی کشور در ابعاد گوناگون از مسئولین و برنامه‌ریزان نظام سلب کرده و کتابخانه‌های عمومی نیز بخشی از این کل اند که انتظار گسترش و توسعه آنها را برنامه‌ریزی‌های دوره بازسازی باید پاسخ دهد - لیکن بنظر می‌آید تا زمانی که از واقعیات موجود کتابخانه‌های عمومی تصور درستی در ذهن دست‌اندرکاران بخش فرهنگی نظام ایجاد نشود - بازیابی و بازسازی جایگاه نظام کتابخانه‌ای عمومی در برنامه‌های خرد و کلان بازسازی که در قالب برنامه‌های پنجساله به اجرا در خواهد آمد - ممکن و میسر نخواهد بود - بنابراین اگر در این قسمت از بحث به مقایسه کیفیت و کمیت کتابخانه‌های عمومی در سالیان قبل و بعد از انقلاب می‌پردازیم بیشتر به انگیزه‌ارائه تصویر درستی از واقعیات موجود و در نتیجه ترسیم صحیحی از کتابخانه‌های عمومی در برنامه‌های آینده است و نه به قصد انتقاد و ایجاد سؤال!

در بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی ابعاد مختلفی را می‌توان مدنظر قرار داد از جمله تعداد کتابخانه‌ها و ساختمان و فضای فیزیکی آنها - تجهیزات و غنای منابع کتابخانه‌ای - نیروهای متخصص و پرسنل کتابخانه‌ها - از طرف دیگر تعداد اعضاء فعال کتابخانه‌های عمومی - میزان مراجعه افراد - تعداد کتبی که در يك مقطع زمانی به امانت گرفته می‌شوند و تنوع موضوعی این کتابها نیز می‌تواند از نکات مهم و اساسی باشد که در نتیجه‌گیری بحث اشاره به آنها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.



الف) تعداد کتابخانه‌های عمومی، ساختمان و فضای فیزیکی آنها
جدول زیر نمایانگر تعداد کتابخانه‌های عمومی در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ می‌باشد:

ردیف	سال	تعداد کتابخانه
۱	۱۳۵۶	۲۶۹
۲	۱۳۵۷	۳۷۳
۳	۱۳۵۸	۳۷۱
۴	۱۳۵۹	۳۸۱
۵	۱۳۶۰	۴۱۵
۶	۱۳۶۱	۴۲۵
۷	۱۳۶۲	۴۵۰
۸	۱۳۶۳	۴۷۸
۹	۱۳۶۴	۴۹۲
۱۰	۱۳۶۵	۴۸۱
۱۱	۱۳۶۶	۴۸۲
۱۲	۱۳۶۷	۴۸۰
۱۳	۱۳۶۸	۵۱۱
۱۴	۱۳۶۹	۵۱۳

طبیعی است که وجود مشکل جنگ تحمیلی در جهت تعمیر و اصلاح کتابخانه‌های عمومی تا سال ۶۸ اقدامی صورت نگرفته باشد - در سالهای ۶۸ و ۶۹ نیز اعتبار تخصیصی بگونه‌ای بوده است که سرانه هر کتابخانه رقمی حدود ۲۰۰۰۰ تومان می‌شده است، یعنی اعتبار تعویض شیشه شکسته يك پنجره!

در عین حال با اتکاء به آمارهای فوق و به فرض قابل استفاده بودن کلیه فضاهای موجود - در سال ۱۳۵۶ به ازای هر ۳۰ هزار نفر باسواد در کشور يك کتابخانه عمومی وجود داشته و در سال ۱۳۶۹ به ازای هر ۵۲۸۰۰ نفر و این در حالیست که استانداردهای جهانی برای هر سه هزار نفر يك کتابخانه عمومی پیش بینی نموده است. به عبارت دیگر در کشور ما برای رسیدن به وضعیت استاندارد بیش از ۶۰۰۰ کتابخانه عمومی باید احداث گردد.

ب) تجهیزات و غنای منابع کتابخانه‌ای

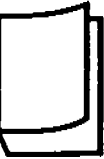
تجهیزات کتابخانه‌های در لسان ساده عبارتند از میز مطالعه - صندلی - قفسه کتاب - برگردان و...

وضعیت تجهیزات کتابخانه‌های عمومی کم و کیفاً با وضعیت ساختمان و فضای فیزیکی آنها تناسب مستقیم دارد بدین معنی که کمتر بیننده‌ای از دیدن تجهیزات فرسوده و اوراق شده کتابخانه‌ها متأسف نمی‌شود - اغلب تجهیزات متعلق به سالیان پیش از پیروزی انقلاب‌اند و در جهت تعمیر یا جایگزینی این تجهیزات تا سال ۶۸ هیچ اقدامی به عمل نیامده است. و در دو سال اخیر نیز اعتبار تخصیصی برای این امر بقدری ناچیز بوده که سرانه هر کتابخانه موجود حداکثر ۱۵۰۰۰ تومان می‌شده یعنی قیمت يك میز مطالعه! - منابع کتابخانه‌ای عبارتند از کتاب و نشریات ادواری و نیز مطبوعات روزانه.

جدول زیر نمایانگر میزان ارسال کتاب و نشریات به کتابخانه‌های کشور و همچنین اعتبارات مربوطه آنها در سالهای ۵۱ و ۵۷ و ۵۸ بالآخره سالهای ۶۸ و ۶۹ می‌باشد.

چنانکه جدول معلوم می‌دارد این آمار در سال ۵۸ به يك افت قابل توجه دچار گردیده که ناشی از تعطیلی و رکود فعالیت‌ها در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی است - اما پس از آن نیز روند افزایش چنان بطنی و غیر محسوس بوده که در سال ۶۸ هنوز میزان ارسال کتاب و نشریه چه از نظر عناوین و چه از جهت تیراژ بسیار پایین‌تر از سال ۵۷ می‌باشد - چند عامل عمده مانند - افزایش تعداد کتابخانه‌ها و مهمتر از آن گرانی سرسام‌آور کاغذ و کتاب باعث گردیده‌اند که علیرغم افزایش اعتبار سال ۶۸ بمیزان بیش از دو برابر نسبت به اعتبار سال ۵۷ باز هم عملکرد آن بسیار پایین‌تر باشد.

چنانکه ملاحظه می‌شود در طول ۱۳ سال گذشته فقط ۱۴۴ واحد کتابخانه عمومی در کشور تأسیس شده که البته اگر قدری دقیق‌تر و عمیق‌تر با این آمار برخورد نمایم روشن خواهد شد که از رقم فوق فقط درصد اندکی به معنای واقعی کتابخانه تلقی می‌گردند و بقیه فضاهای نامناسب و غیراستانداردی هستند که به هیچ عنوان با خدمات کتابخانه‌ای سازگاری نداشته و عملاً نباید آنها را کتابخانه محسوب داشت. و این در حالی است که بخش عمده‌ای از مجموعه ۳۶۹ واحد کتابخانه‌ای که تا سال ۱۳۵۶ وجود داشته‌اند نیز به تعمیرات اساسی و اصلاحات فوری و ضروری محتاجند و ساختمان و تأسیسات آنها از کمترین سروس نگهداری بی‌بهره بوده‌اند - به نحوی که در حال حاضر اغلب کتابخانه‌ها وضعیت ظاهری بسیار رقت‌بار و اسف‌انگیزی به خود گرفته‌اند و بعضاً بی‌شبهات به دخمه‌های تاریکی نیستند که بوی کهنگی و رطوبت فضاهای آن را آکنده و از شدت فرسودگی و ویرانی بگونه‌ای هستند که مراجعین که هیچ مسئول کتابخانه از بیم جان اجازه تامل و درنگ را در آن مکان به خود نمی‌دهد - نگارنده نمونه‌هایی از این کتابخانه‌ها را از نزدیک مشاهده کرده است.



سال	اعتبار مصرف	هزینه شده	کتاب		نشریه	
			عنوان	مجلدات	عنوان	نسخ
۱۳۵۱	۱/۹۳۲/۸۰۰	۱۹/۲۲۱/۲۴۵	۵۴۲	۱۵۷/۴۲۸	۱	۳۰۰
۱۳۵۷	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۵۳	۱۶۶/۸۶۰	۲۶	۶۰/۳۴۹
۱۳۵۸	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۱۷۶/۷۶۴	۴۹	۲۰/۳۸۰	۲۹	۱۱/۲۴۰
۱۳۶۸	۹۲/۰۰۰/۰۰۰	—	۱۶۲	۵۱/۹۳۰	—	—
۱۳۶۹	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۲/۰۰۰/۰۰۰				

۱ - کمبود عمومی نیروی انسانی

به نحوی که بسیاری از کتابخانه‌های ما را يك نفر به عنوان مسئول کتابخانه - کتابدار - سرایدار و مستخدم اداره می‌نمایند.

۲ - بار تخصصی نیروهای موجود بسیار ضعیف و فوق‌العاده نازل است و اغلب کتابداران به تجربیات شخصی و اندوخته‌های خود متکی هستند.

۳ - بخش اندکی از نیروهای موجود که یا از تحصیلات کلاسیک در رشته کتابداری برخوردارند یا به تجربیات ناشی از ممارست در این رشته شغلی متکی‌اند - از يك بستر سالم فکری و بینشی نسبت به مقوله کتاب و کتابخانه برخوردار نیستند و غالباً تصوراتی نابجا از کتاب - کتابخانه - کتابخوان و کتابدار در ذهن و باور آنها نقش بسته و عملکرد آنها در کتابخانه‌ها نیز برخاسته از همین تفکرات متحجر و سنتی است.

۴ - و بالاخره در این میان به ندرت عناصری نیز یافت می‌شوند که از جهات اعتقادی و اخلاقی غیر قابل اعتمادند و صرفاً به دلیل کمبود نیرو و نبود فرصتی برای شناسایی و حذف آنها - در مجموعه حضور دارند - و طبیعی است که کتابخانه‌های عمومی از قبل حضور این گونه عناصر عوارض بسیار نامطلوب و ناگواری را باید تحمل نمایند - ناگفته نماند که در اینجا و شکل دهی بافتی که در بالا اشاره شد عوامل متعددی دخالت داشته‌اند که در بخشهای بعد به گوشه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

در این میان نباید نقش کتابداران صدیق و پرتلاش که علیرغم مشکلات فراوان با احساس مسئولیت در سراسر کشور نسبت به انجام وظایف خود اهتمامی بلیغ دارند، نادیده گرفت هرچند تلاش این عزیزان در میان انبوه مشکلات ناپیدا است.

برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه‌های عمومی

پیش از آغاز بحث لازم است یکبار دیگر یادآوری نمائیم که در آغاز راه بازسازی تصمیم‌گیری‌های مدیران عالی و برنامه ریزان

و اگر در این مقایسه تعداد عناوین منتشره در سال و تیراژ مربوطه را هم لحاظ نمائیم که در سال ۵۷ حدود ۲۵۰۰ عنوان کتاب در تیراژ حدود ۱۵ میلیون جلد و در سال ۶۸ حدود ۸/۰۰۰/۰۰۰ عنوان در تیراژ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ جلد در کشور منتشر شده است بخوبی عقب ماندگی و کهنگی فضای اطلاعاتی و علمی کتابخانه‌ها را می‌توان لمس و درک نمود - بدیهی است که کتابخانه‌ای که در طول سال فقط از ۲۰۰ عنوان کتاب تغذیه می‌شود نمی‌تواند پاسخگوی خوبی برای مراجعین باشد.

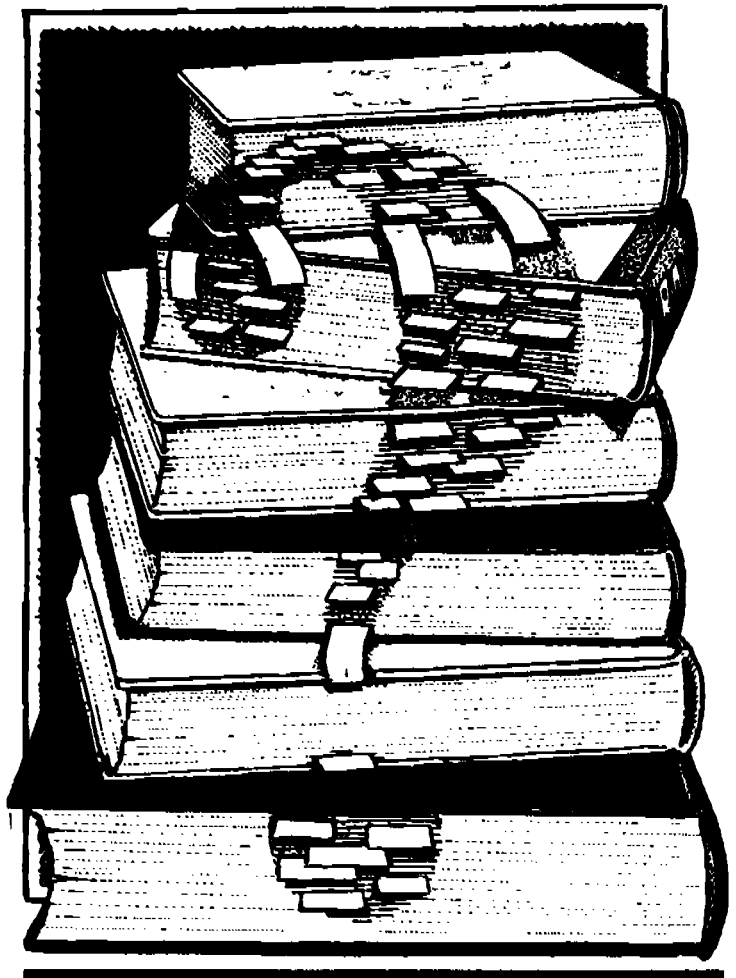
ج) پرسنل و نیروی متخصص کتابخانه‌های عمومی

۳۶۹ واحد کتابخانه عمومی کشور در سال ۱۳۵۶ توسط ۷۵۰ نفر پرسنل اداره می‌شدند که حدود پنج درصد آنها دارای تحصیلات دانشگاهی و از این عده فقط به تعداد کمتر از انگشتان دست از تحصیلات مربوط به رشته شغلی خود برخوردار بودند - در سال ۶۹ وضع به مراتب از آنچه که گذشت هم بدتر شده و ۵۱۳ واحد کتابخانه عمومی را - ۸۵۱ نفر پرسنل اداره می‌نمایند که کمتر از ۱۰ درصد آنها دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم و کمتر از يك درصد آنها دارای تحصیلات کتابداری هستند به عبارت روشن‌تر در شرایط حاضر کتابخانه‌های عمومی به تعداد ۱۸۰۰ نفر پرسنل و نیروی انسانی دیگر نیازمندند تا بتوانند فقط در ساعات اداری تعطیل نباشند، نه اینکه خدمت شایسته‌ای انجام دهند! که تحقق معنای اخیر در گرو حضور کتابداران متخصص - آگاه و متعهد است که به منزله روح و جان کتابخانه عمومی محسوب می‌گردند - و اگر همه چیز در حد مطلوب و استاندارد فراهم باشد اما کتابدار به معنای حقیقی کلمه حضور نداشته باشد هرگز نمی‌توان ادعا کرد که خدمات کتابخانه‌ای شایسته‌ای در حال ارائه است.

بنابراین در يك تجزیه و تحلیل دقیق از وضعیت فعلی نیروی انسانی کتابخانه‌های عمومی کشور به نتایج زیر دست می‌یابیم.

نظام باید از دقت و حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار باشد - به عبارت دیگر اکنون زمان انتخاب است، که تمدن یا تجدد؟ اگر تجدد را می‌خواهیم و تشنه این هستیم که مردمان قبل از هر چیز طعم رفاه - آسایش و برخورداری‌های دنیوی را بچشند و تحولات حیرت‌انگیز اقتصادی و صنعتی را شاهد باشند و آنقدر دلسوز ملتمان هستیم که می‌خواهیم هرچه سریعتر و هرچه بهتر شکمشان سیر شود و با بی‌تابی منتظر آنیم که مدنیت جدید را در شهرهای ویرانمان جشن بگیریم و بنادرمان را پررونق و آباد ببینیم و... طبیعی است که خیلی از توقعات در باب فرهنگ و بازسازی فرهنگی و رعایت اولویت این بخش را باید نادیده گرفت و...

اما اگر تمدن و انسانیت و اسلامیت را می‌خواهیم در این صورت باید در خود ریشه بزنیم و خود را بارور کنیم و از خود میوه بچینیم و هرچند دیرتر به غنای اقتصادی - صنعتی و تکنولوژیکی دنیای امروز نایل آنیم - و این معنا محقق نخواهد شد مگر با رعایت و لحاظ کردن اولویت بخش فرهنگ به معنای اعم در برنامه ریزی‌های بازسازی و پرداختن به آنچه زیربنا و پایه بخش فرهنگ است یعنی «کتاب» و هرآنچه پیرامون «کتاب» قابل طرح است. بگذریم هرچند برنامه پنجساله با یک چنین دیدگاهی با



مسئله برخورد نکرده است اما چنانکه می‌بینیم گامهائی در این طریق برداشته شده که در جای خود قابل توجه است. در برنامه پنجساله - احداث يك صد باب کتابخانه عمومی پیش بینی شده که عملیات ساختمانی ۲۰ واحد آن از سال ۶۸ آغاز و برخی از آنها در سالجاری به مرحله افتتاح و بهره‌برداری خواهد رسید - در سال ۷۰ نیز عملیات ساختمانی ۸۰ واحد دیگر آغاز شده. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از مجموعه کمی و کاستی‌هایی که نظام کتابخانه‌های عمومی را رنج می‌دهد - برنامه پنجساله فقط به فضا و ساختمان توجه اندکی نموده و دیگر ابعاد را یا بکلی واگذاشته یا بسیار سطحی از کنار آن گذشته است. مجموع اعتباری که برای احداث - تجهیز و تعمیر کتابخانه‌های عمومی تا پایان برنامه در نظر گرفته شده است رقمی معادل ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد - که با کسر اعتبار مربوط به احداث برای تعمیر و تجهیز به رقمی معادل ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دست می‌یابیم.

بنابراین یکی از مشکلات عمده برنامه پنجساله عدم رعایت تعادل و تناسب اعتبارات و دیگر پیش بینی‌ها در فضای کلی توسعه و گسترش کتابخانه‌هاست. به عبارت دیگر در برنامه پنجساله توسعه همه جانبه و گسترش جامع‌الاطراف کتابخانه‌ها پیش بینی نشده بلکه صرفاً احداث ساختمان و فضای جدید مد نظر بوده است بنحوی که گذشته از همه کمبودها و نارسایی‌های بالفعل در زمینه نیروی انسانی - تجهیزات و منابع کتابخانه‌ای، برنامه پنجساله فنی برای تأمین نیروی انسانی و تجهیزات و تغذیه کتابخانه‌های احداثی نیز هیچگونه پیش بینی مناسبی نکرده است. به این ترتیب در پایان برنامه بفرض تحقق صد در صد، ما شاهد یکصد کتابخانه عمومی نوساز و زیبا هستیم که قادر به بهره‌برداری کامل از آنها نبوده و ناچار یا کاملاً تعطیل و یا به نحوی غیر مطلوب مورد استفاده قرار خواهد گرفت یعنی تکرار همین وضعیت اسفباری که در حال حاضر به آن دچار هستیم. وجود فضاهائی که بلحاظ نبودن امکانات - تجهیزات و منابع کتابخانه‌ای و نیروی انسانی معطل مانده و هرز می‌روند - طلحه این وضعیت را از هم اکنون می‌توان مشاهده کرد - ۱۲ کتابخانه عمومی که از محل اعتبارات ملی در قالب برنامه پنجساله در سالجاری به بهره‌برداری می‌رسند - فاقد یست سازمانی و در نتیجه نیروی انسانی هستند - فاقد تجهیزات کتابخانه‌ای هستند - فاقد کتاب و منابع کتابخانه‌ای هستند - و هم اکنون در یکی از استانهای غربی کشور دو کتابخانه نوساز بسیار شیک مقفل و معطل مانده‌اند - نتیجه اینکه اولاً برنامه پنجساله با یک تحلیل عمیق و درست به مسئله فرهنگ نگاه نکرده و اولویت این بخش اساسی را نادیده گرفته است - ثانیاً اگر در برخی زمینه‌ها

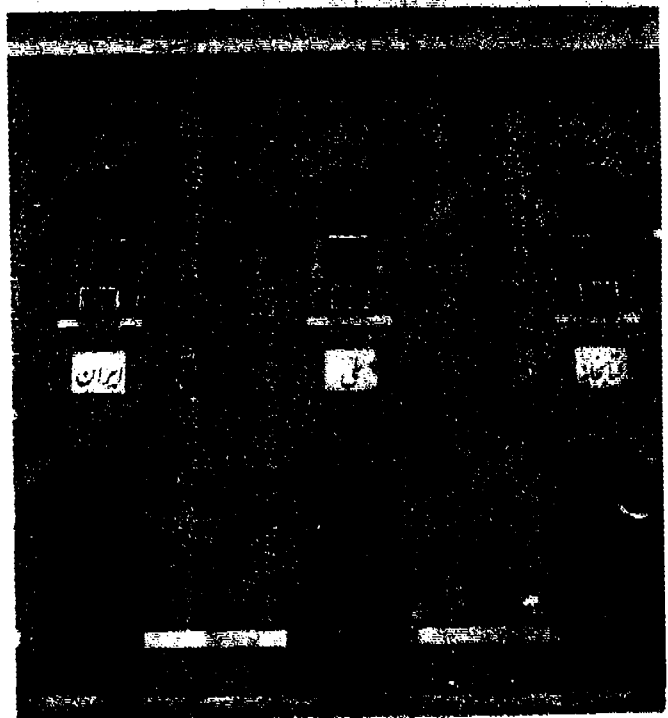


مثل کتابخانه‌های عمومی توجهی اعمال شده - آن توجه و عنایت هم بدون در نظر گرفتن ابعاد گوناگون مسئله به عمل آمده و احتمال اینکه بار مشکلات و هرز رفتن اعتبارات و عدم بهره‌دهی امکانات موجود در دست ایجاد روز به روز بیشتر شود را قوت بخشیده است.

زمینه‌هایی که برنامه پنجساله به آن بی توجهی کرده و در صورت اصلاح می‌توان به آینده کتابخانه‌های عمومی امیدوار بود - عبارتند از - عدم پیش بینی برای رفع کمبود نیروهای انسانی در شرایط فعلی و نیز برای کتابخانه‌های عمومی جدیدالاحداث از دو جنبه، الف: از جنبه استخدامی که باتوجه به منع استخدام و نیز طرح تعدیل نیروهای انسانی - هیچ امکانی برای بکارگیری نیروهای مورد نیاز وجود ندارد و لازم بود در برنامه بشکلی خاص این تنگنا مورد عنایت قرار می‌گرفت همچنانکه برای برخی سازمانها این پیش بینی به عمل آمده است.

ب: از جنبه آموزشی و بازآموزی که هیچ برنامه‌ای برای بازآموزی نیروهای انسانی موجود و آموزش نیروهای جدید طراحی نشده و هرگونه طراحی و برنامه ریزی از سوی مسئولین مستقیم نیز با بن‌بست‌های اعتباری و استخدامی مواجه می‌گردد کما اینکه حتی اجرای يك دوره آموزشی بلند مدت کتابداری از طریق سازمان امور اداری و استخدامی نیز غیر مقدور و ناممکن بوده است.

کتابخانه ملی



۲ - عدم پیش بینی اعتبار کافی برای خرید کتاب و غنا بخشیدن به منابع کتابخانه‌ای، شایان ذکر است که در حال حاضر اعتبار اندکی در قالب اعتبارات جاری برای خرید کتاب اختصاص داده شده است که سرانه هر کتابخانه موجود فقط ۱۰۰ جلد کتاب در سال می‌شود - و با محاسبه کتابخانه‌های جدیدالاحداث که تا پایان برنامه پنجساله از محل اعتبارات ملی - استانی و خودیاری‌های مردمی تعداد کتابخانه‌های کشور بالغ بر ۶۵۰ باب خواهد شد، چنانچه از میان عناوین منتشره در کشور ۲۰۰۰ عنوان برای هر کتابخانه خریداری گردد، رقمی معادل ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در سال مورد نیاز خواهد بود و این در حالیست که اعتبار پیش بینی شده در سال ۷۰ برای خرید کتاب فقط ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال است و چنانچه تا پایان برنامه پنجساله این اعتبار بطور ۱۰۰٪ هم افزایش یابد باز معادل ۱/۶ حداقل اعتبار مورد نیاز خواهد بود.

۳ - عدم پیش بینی برای تجهیز - تعمیر و نگهداری کتابخانه‌های عمومی که پیش از این شرح آن گذشت.

آنچه تاکنون به عنوان کمبودها و نارسائی‌ها در کتابخانه‌های عمومی مورد بحث قرار گرفت - در يك تقسیم بندی کلی عناصر ابزاری و فیزیکی لازم برای ارائه خدمات مطلوب کتابخانه‌ای تلقی می‌گردند - در اینجا بی‌مناسبت نیست اگر به بعضی از زمینه‌های معنوی و روحی که نظام کتابخانه‌ای را رنج می‌دهد نیز اشاره بشود.

۱ - چنانکه گفتیم فضا و ساختمان بسیاری از کتابخانه‌های عمومی نامتناسب، کسالت آور و خسته کننده هستند - طبیعی است حضور مداوم در چنین محیط‌هایی می‌تواند عامل مؤثری در خمودی و از بین بردن نشاط و طراوت روحی کارکنان از يك سو و نیز مراجعین به کتابخانه از سوی دیگر باشد - امروزه تدارک و آماده سازی فضا و محیط کار، بخصوص فعالیتهای فرهنگی و فکری - در بازدهی و بهره‌دهی مطلوب اثر غیر قابل انکاری دارد.

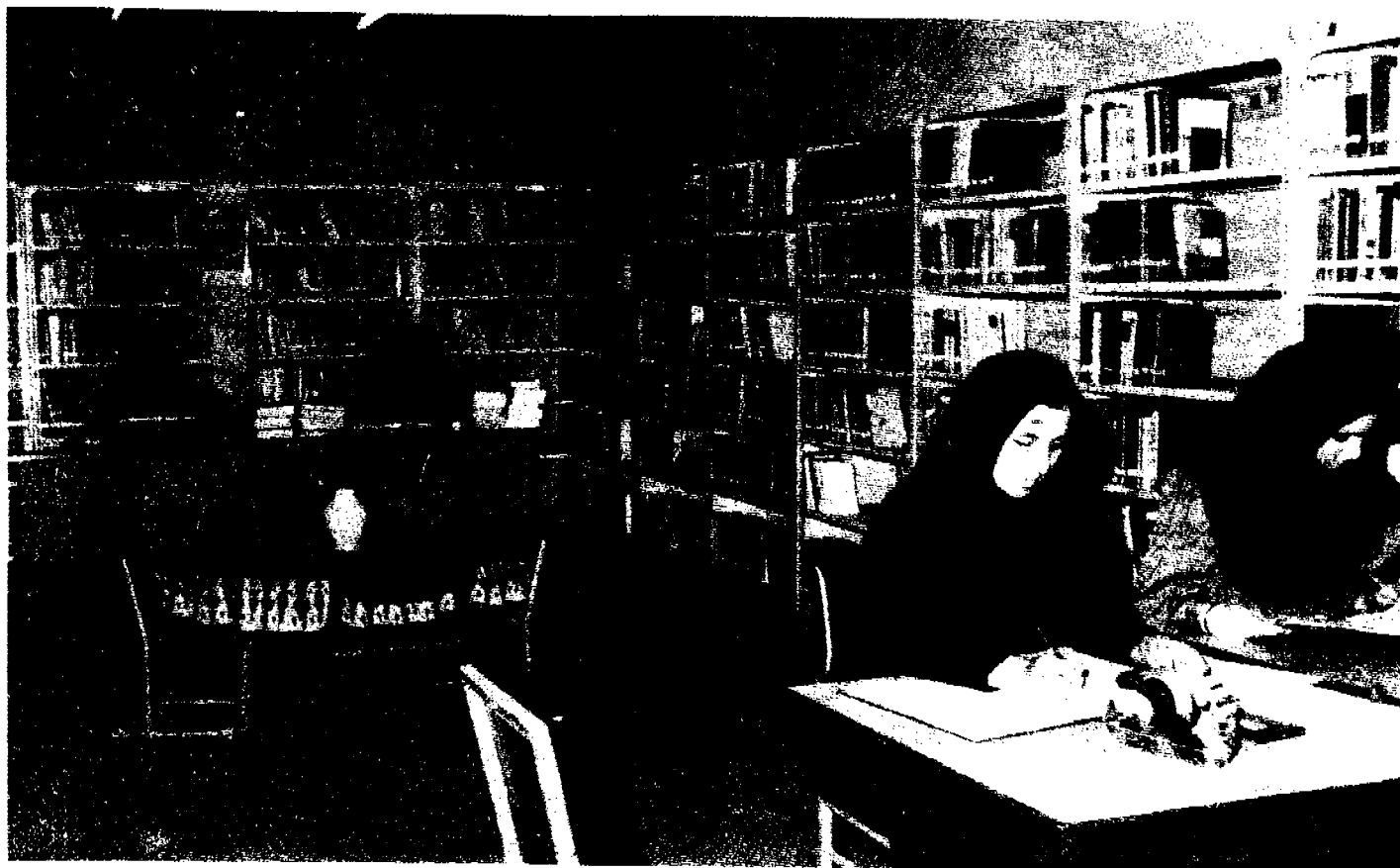
۲ - عقب ماندگی شدید منابع کتابخانه‌ای اعم از کتب و نشریات از تازه‌های علوم و فنون و دستاوردهای علمی - فرهنگی و عناوین جدیدالانتشار پرده‌ای از کهنگی و افسردگی بر کتابخانه‌ها افکنده و جذابیت لازم را از کتابخانه‌های عمومی سلب نموده است - مراجعین تشنه و امیدوار به دستیابی به منابع و مراجع مورد نیاز - بزودی در می‌یابند که کتب و مواد نوشتاری مورد نیازشان در کتابخانه یافت نمی‌شود و کتابداران نیز از اینکه دائماً باید با جوابهای منفی مراجعین را مایوس و دلزده نمایند به تنگ آمده و دچار بی‌زاری و ملال می‌گردند.

۳ - به عوامل بالا اگر دستمزد کم و موقعیت پایین کتابداران - اهمیت قائل شدن برای کتاب بیش از کتابدار و کتابخوان را هم بیفزائیم - نتیجه این خواهد شد که گردش منابع موجود کتابخانه - و استفاده از امکانات موجود نیز دچار خلل و نارسائی گردد. کتابدار که مشکلات روزافزون کتابخانه از يك طرف و مشکلات زندگی خصوصی و اجتماعی از طرف دیگر - او را در فشار طاقت فرسانی گذارده اند - بی هیچ رابطه عاطفی و روحی با کتابخانه - کتاب - کتابخوان در نقش يك محافظ سنتی که وی را به حفظ و صیانت از کتاب گماشته اند و نه برای چیز دیگر! بصورتی خشک و بی احساس به انجام وظیفه می پردازد و گاه پاسخ سردش به سلام يك مراجعه کننده جوان که در اوج احساسات و غرور مناسب با سنش قرار دارد - نه تنها رشته ارتباط این وابسته جوان را با کتابخانه برای همیشه می گسند بلکه سبب خسارت مادی ناشی از جریحه دار شدن احساسات وی که بشکل پاره کردن اوراق يك کتاب مرجع یا نفیس جلوه گر شده نیز خواهد شد.

مجموعه این عوامل باعث شده که کتابداران ما نتوانند مراجعه کنندگان را متقاعد سازند که می توانند اطلاعات جاری مورد نیازشان را در اختیار آنها قرار دهند - آنها همچنین نتوانسته اند که در تمام زمینه های حرفه ای خود نشان دهند که به ارائه خدمت اهمیت فراوان میدهند و آن را وظیفه قطعی و مسلم خود می دانند بی آنکه به تشکر و سپاس مراجعین نیاز داشته باشند.

حقیقت این است که در کتابخانه های ما نه تنها خدمات معمولی کتابخانه ای مثل خدمات کلی مرجع - جستجوهای کتابشناسی - خدمات آگاهی رسانی جاری - اشاعه اطلاعات گزینش - امانت بین کتابخانه ها - خدمات تکثیر و امثالهم به شکل کامل صورت نمی گیرد بلکه از خدمات و فعالیتهای با معنی تر نیز خبری نیست، فعالیت های اساسی تری که می تواند فضا و روح کلی حاکم بر کتابخانه را دگرگون سازد. و کتابخانه را از حد يك پایگاه اطلاع رسانی به يك پایگاه معرفت شناسی بدل سازد - شاید در بسیاری نقاط کشور ما مراجعین بیشتر از آنکه از کمبود منابع و عدم تنوع آنها شکایت دارند از نحوه استفاده و بهره گیری از منابع شاکی باشند.

در بسیاری موارد مردم يك شهر از وجود کتابخانه بی اطلاعند و اعضاء از منابع موجود در کتابخانه آگاهی ندارند. از نظر روانی آموزش مختصر اعضاء در نحوه استفاده از منابع کتابخانه - فهرست بر گه ها و منابع عمده مرجع می تواند عامل مؤثری در استحکام پیوند اعضاء با کتابخانه و بهره گیری بیشتر آنها از منابع موجود باشد - مراجعین باید از نظر روانی خود رامسلط به فضای کتابخانه احساس نمایند و هرگونه بی اطلاعی و کم اطلاعی از سازمان کلی کتابخانه و منابع موجود و برخورد سرد مسئولین و کتابداران می تواند از نظر روحی آنها را در فشار قرار داده و بیگانگی و غربت آنها را از کتابخانه بیشتر نماید.





۱ - چنانکه پیشتر گفتیم - براساس قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی مصوب سال ۱۳۴۴ سازمان مرکزی اداره کننده کتابخانه‌های عمومی کشور عبارت بود از هیأت امنائی با حضور وزراء فرهنگ و هنر و کشور و چندتن از شخصیت‌های فرهنگی - اما این وضعیت دائماً ثابت نبوده و هر از چند گاهی تغییراتی در سازمان مرکزی ایجاد می‌شده است. اشاره به گذشته این تشکیلات و تغییرات آن شاید چندان حاصلی نداشته باشد، اجمالاً اینکه در مقاطعی از زمان این تشکیلات در حد يك اداره كل تنزل نموده و مجدداً به سطح هیأت اماناء ارتقاء یافته و نهایت اینکه از سال ۶۴ که برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشور هیأت اماناء کتابخانه‌های عمومی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر کشور و چند تن از شخصیت‌های برجسته فرهنگی و دانشگاهی کشور مجدداً شکل گرفت - جانی تازه در کالبد کتابخانه‌های عمومی دمیده شد - و مهمتر از همه پیش بینی تشکیل انجمن کتابخانه‌های عمومی در استانها و شهرستانها بود که بهترین شیوه ارتباط و پیوند این نهادهای فرهنگی با امکانات و حمایت‌های مادی و معنوی مردمی به شمار می‌آیند.

حضور شخصیت‌های فرهنگی و مذهبی استانها و شهرستانها در انجمن کتابخانه این مجال را فراهم آورده که کتابخانه همچنانکه مسجد، مقدس تلقی شده و همچنانکه بیمارستان یا مدرسه، با جسم و روح مردم عجین و آمیخته گردد و پدران برای کمبود کتابخانه و سالن مطالعه همانقدر نگرانی و بی‌تابی بخرج دهند که برای نداشتن مدرسه و کلاس درس و متولیان دین و شریعت نیز همانقدر در فقدان کتابخانه حساسیت نشان دهند که در فقدان مسجد و محراب - و آنچنان از نادانی خلق رنجور شوند که از بی‌دینی آنها. حضور شهرداران و مسئولین اجرایی نیز در انجمن کتابخانه - این باور صحیح را القاء خواهد کرد که کتابخانه‌های عمومی باید به عنوان بخشی از خدمات شهری بسیار ضروری (در میان دیگر خدمات شهری که متأسفانه بسیار ضروری تر تلقی شده‌اند) محسوب گردند.

۲ - عدم جوابگویی برنامه پنجساله به حداقل نیازهای اساسی کتابخانه‌های عمومی - مسئولین مستقیم این بخش را بر آن داشت تا با ارائه پیشنهادی مبنی بر اخذ ۱۰ ریال عوارض از هر کیلو کاغذ وارداتی و اختصاص آن به توسعه و تجهیز کتابخانه‌های عمومی در قالب تبصره الحاقی به قانون بودجه سال ۱۳۷۰ کل کشور - تلاش نمایند تا بخشی از خلاء موجود را پر نمایند.

این پیشنهاد در صحن مجلس شورای اسلامی مطرح و با

تقلیل ۱۰ به ۳ ریال از تصویب نمایندگان گذشت. اعتبار حاصل از این تبصره در وضعیت موجود فرصت مغتنمی برای حل مشکلات و آغاز اجرای طرح بازسازی و توسعه کتابخانه‌های عمومی بشمار می‌آید.

در خصوص امکانات اعتباری جدید بی‌مناسب نیست که به اختصاص ۲ هزارم درآمد سالیانه شهرداری‌های کشور به امر توسعه کتابخانه‌ها نیز اشاره بشود - هر چند در نگاه اول این امکان اعتباری بسیار امیدوار کننده به نظر آید اما با دقت بیشتر روشن خواهد شد که تنها شهرهای بزرگ که دارای شهرداری‌های پردرآمد هستند می‌توانند به این موضوع امیدوار باشند چه بیش از ۹۰٪ از شهرداری‌های کشور از درآمد سالیانه قابل توجهی برخوردار نیستند و دوهزارم آن بسیار ناچیز و غیرقابل اعتنا خواهد بود - ناگفته نماند که تصویب این قانون از آنجائیکه به تثبیت جایگاه والای کتابخانه‌های عمومی در میان دیگر خدمات شهری منتهی خواهد شد - آغازی بسیار نیکو و ارزشمند محسوب می‌گردد.

۳ - بدین ترتیب شیوه اداره کتابخانه‌های عمومی و امکانات اعتباری مذکور چنانچه با برنامه ریزی‌های صحیح (که جز با بهره‌گیری از نظرات ارزنده اساتید و علماء رشته کتابداری و اطلاع رسانی و ترسیم راه کارها و راه حل‌ها از سوی دانش اندوخته گان این فن ممکن نخواهد بود) توأم گردد، نقش بنیادین کتابخانه‌های عمومی در ساختار فرهنگی جامعه روز به روز روشن تر شده و آینده امیدبخشی را برای نظام کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توان پیش بینی نمود. #